

دوران شکوفایی انقلاب امام از نگاه آیت الله تحریری:

مبارزه با ظلم جهانی

آیت الله محمد باقر تحریری از استوانه‌های سلوکی حوزه‌های علمیه شیعه محسوب می‌شوند. درباره استادان اصلی ایشان می‌توان از آن‌ها به صورت ویژه نام برد: اول، آیت الله العظمی بهجت که استاد تحریری از ابتدای طلبگی‌شان در ارتباط معنوی و علمی با ایشان بودند و این ارتباط تا پایان عمر شریف آن مرحوم ادامه یافت. دوم، آیت الله سعادت پرور که استاد تحریری در جلسات خاص ایشان شرکت می‌کردند؛ همچنین از طریق ایشان با علامه طباطبایی آشنا شدند و در جلسات مختلف علمی و معنوی ایشان شرکت کردند و از این رهگذر در تربیت معنوی و سلوکی خاص خود با علامه طباطبایی و سپس آیت الله سعادت پرور همگام و همراه شدند.

۳ بعد اساسی انقلاب امام و شکوفایی مبارزه با ظلم جهانی

روش اجتهادی

در سلوک اخلاقی امام خمینی

کتاب اخلاقی ایشان را می‌توان پیاده کردن روش اجتهادی در مسئله سلوک دانست؛ به گونه‌ای که علاوه بر تراش مکتب عرفانی و اخلاقی نجف، از اصول اجتهادی فهم متون دینی بهره‌مند است. به علاوه، تمرکز روی آثار متعدد امام خمینی در سیره ایشان، ما را بر آن داشت که با مقایسه میان مکتب تربیتی حضرت امام و مکتب نجف، نقی به اندیشه تربیتی بنیانگذار انقلاب اسلامی بزنیم.



حضرت امام دارای اندیشه عمیق در معرفت دینی بودند و در مباحث معرفتی به قله اجتهاد رسیده‌اند. ایشان در بعد معرفتی، مباحث ایمانی را در بعضی از کتب خود مطرح و سیر مباحث عقلی را نیز در قالب مباحث فلسفی بیان کرده‌اند. امام خمینی با آن باور عمیق به ماهیت دین و پشتوانه علمی و فقهانی، انقلاب را شکل دادند و وارد عرصه اجرایی شدند. نگاه ایشان این بود که فضیلتی که برای امور اجرایی وجود دارد به اندازه همان معنویت‌ها و درس و بحث‌های طلبگی است. انقلاب را باید دقیق تبیین کنیم. مؤلفه‌های انقلاب را می‌توان ۳ عنصر دانست:

توجه به اقامه دین



خاستگاه عمومی و مردمی بودن این نهضت الهی که مردم این حادثه عظیم را به وجود آوردند



مبارزه با ظلم و استکبار جهانی

این روزها شاهد شکوفایی این بعد سوم هستیم و باید مراقب بود که این سه بُعد در انقلاب گم نشود.

طرح مبارزه با دستگاه حکمرانی بر پایه مذموم دانستن حب نفس



دکتر فاطمه طباطبایی، عروس امام و همسر مرحوم سیداحمد خمینی، متمرکز بر آثار عرفانی و اخلاقی حضرت امام هستند و در این زمینه سال‌ها مشغول پژوهش و تدریس و تربیت شاگرد بوده‌اند. در این مجال نکاتی از مکتب سلوکی اخلاقی حضرت امام را از منظر ایشان مرور می‌کنیم. مهم‌ترین سخن سلوکی و تربیتی امام این بود که انسان‌ها بدانند از کرامت و شرافت ذاتی برخوردارند و تنها مخلوقی هستند که خداوند با خلقت او خود را احسن الخالقین خواند و بر خود آفرین گفت «فتبارک الله احسن الخالقین» و رسالت انسان هم این است که آینه‌وار زیبایی‌ها و کمالات خداوند را نمایش دهد و آینه‌ای از جمالات خداوند متعال باشد.

تفاوت حب نفس و عزت نفس در نگاه عرفانی امام

امام از حب نفس یاد کرده‌اند و آن را مهم‌ترین حجاب و مانعی بر سر راه انسان شدن انسان دانسته‌اند که مانع ظهور کمالات الهی می‌شود. البته توجه داریم که امام به داشتن عزت نفس تأکید می‌کردند و اینجاست که باید میان حب نفس با داشتن عزت نفس تفاوت قائل شویم که یکی ممدوح و دیگری مذموم است. منشاء یکی نادانی و جهل و ظهور وسوسه شیطان است و منشاء دیگری خردمندی و ظهور عقل و الهامات رحمانی است. همواره انسان‌ها میان این دو جاذبه و فراخواننده قرار دارند و البته مختارند که کدام را برگزینند. و طبیعی است انتخاب انسان‌ها بر مبنای باورها و آگاهی‌های آنهاست. از این رو توصیه امام کسب علم است و رها شدن از حجاب علم که می‌تواند حجاب اکبر باشد. در این صورت انسان می‌تواند در فضای نورانی نفس، زندگی خوب و لذت‌بخشی داشته باشد.

تأثیر عرفان امام بر مبارزه سیاسی و اجتماعی

پس توصیه امام خمینی به انسانی که طالب حقیقت است و می‌خواهد سرمایه وجود را هدر نهد و خسران زده نباشد این است که خود را بشناسد. مبارزه امام خمینی با کسانی که در باور ایشان صلاحیت حکمرانی بر انسان مسلمان را نداشتند و تحمل زندان و تبعید و رها کردن کرسی فقهت و مرجعیت با این مبنای عرفانی قابل توجیه است. تلاش ایشان بر بیان اسرار تکالیف دینی مانند فریضه نماز، ظهور همان احساس مسئولیت در برابر آگاه ساختن مردم است که افزون بر بیان مباحث فقهی و اصولی آن، به تبیین اسرار عرفانی نماز در دو کتاب «سرالصلوه» و «آداب نماز» پرداختند و ضمن قبول توحید سه‌گانه و اسفار اربعه‌ای که عارفان مطرح کرده‌اند، به تبیین آنها پرداختند و تحقق آنها را در یک رکعت نماز، چه در حرکات قیام و رکوع و سجده و چه در فرازهای سوره حمد و اذکار نماز دانسته‌اند. از این رو

می‌توان ادعا کرد که باورهای عرفانی امام در همه جنبه‌های وجودی ایشان، چه حوزه‌های علمی و چه حوزه‌های رفتاری و کرداری ایشان، ساری بود. از ویژگی‌های بارز عرفان امام این بود که می‌خواست عرفان را به گوش همه برساند و ندای توحید را در همه عالم فراگیر کند؛ لذا امام درس و بحث فقهی را تعطیل کردند و حکومت تشکیل دادند تا از این طریق توحید را فراگیر کنند.

از وظایف یک عارف کامل این است که توحید را فراگیر کند و الا عرفانی که فقط به فکر خودش باشد و به دیگران توجه نداشته باشد، عرفان ناقصی است. امام سعی می‌کرد همه را دعوت به توحید کند. هم در نامه به گورباچف و هم وقتی که سران کشورها به ملاقات‌شان می‌آمدند، این مسئله را مطرح می‌کردند. دستگاه عرفانی امام جامع بود. امام توانست بین شریعت و طریقت و حقیقت جمع ایجاد کند. امام مجتهد و اصولی و فقهی بود اما عرفان را هم توسعه داد. امام در نجف بحث اصولی و فقهی نماز را مطرح می‌کند و بعد دو کتاب در رابطه با اسرار نماز می‌نویسد تا اسرار باطنی نماز هم فهم شود. یعنی هم به ظاهر و شریعت پرداختند و هم باطن و طریقت و حقیقت را سامان دادند. مثلاً بحث مکان نمازگزار را مطرح می‌کنند که به لحاظ فقهی نباید مکان غصبی باشد و بعد در اسرار مکان نمازگزار می‌گویند قلب هم نباید غصبی باشد و باید از غیر خدا خالی باشد تا بتواند انسان را بالا ببرد. حضرت امام کاری کردند که عرفان قابل پذیرش شود. یعنی اگر در دوره‌هایی عرفا یک فرقه خاصی بودند، امام کاری کرد که یک فقیه هم بتواند عارف باشد و یک مجتهد هم بتواند سیر و سلوک داشته باشد. یعنی جمع بین این علوم و تضاد و تعارض آن را در عمل برطرف کردند. از ویژگی‌های مهم دستگاه تربیتی امام، اجتماعی بودن عرفان امام بود. امام در نامه به حاج احمد می‌گفتند که احمد به فکر مردم باش و از مردم دستگیری کن چرا که مردم مظاهر اسماء الهی هستند. یعنی توصیه‌های اجتماعی حضرت امام ریشه در نگرش عرفانی امام، خصوصاً بحث وحدت شخصی داشت.